



## پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت دو روز بزرگ تاریخی، رستاخیز سیاهکل ۴۹ و قیام بهمن ۵۷ !

بار دیگر در آستانه سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن قرار داریم. دو رویداد سترگی که نقشی بزرگ در مبارزات مردم ما ایفا نمودند. سیاهکل نماد هشت سال مبارزه بی امان کمونیست های راستین و آگاه ترین و پیشرو ترین توده های خلق ایران علیه امپریالیسم و سگ زنجیریش رژیم شاه است. نماد یک دوره درخشان تاریخی در تاریخ مبارزاتی مردم ما در دهه ۵۰ است. سیاهکل نماد جنبشی است که یک تئوری انقلابی، تئوری مارکسیستی-لنینیستی منطبق بر جامعه ایران رهنمون آن است، تئوری ای که عمیق ترین حوایج زندگی کارگران و زحمتکشانش را در خود متبلور ساخته و از آن منشاء گرفته است: تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک. از این روست که سیاهکل تبلور آگاهی و آغاز گر مبارزه مسلحانه در ایران به مثابه راهی است که تحقق مطالبات توده های تحت ستم ما و سعادت آن ها تنها با پیمودن مسیر آن صورت واقعیت به خود می گیرد.

هنگامی که مبارزین انقلابی در یک جامعه دست اندر کار پاسخ به ضرورت های مبارزاتی جامعه خویش هستند جدیت کار تاریخی خویش را احساس و درک می کنند. در نیمه دوم دهه چهل نیز که پایه های جنبش سیاهکل ریخته می شد رفقای ما کاملاً به جدیت و اهمیت کار خود واقف بوده و به تاریخی بودن آن اشراف داشتند. منشاء ایمان خلل ناپذیر چریکهای فدائی خلق به پیروزی راهشان نیز درست از همین واقعیت سرچشمه می گرفت. با این حال در سال ۱۳۴۶ هنگامی که اولین قدم ها برای تشکیل چریکهای فدائی خلق توسط رفقا پویان و عباس مفتاحی برداشته می شد، هنگامی که در سال ۱۳۴۷ رفیق غفور حسن پور با هدف ایجاد حرکتی مسلحانه در جنگل های شمال به سازماندهی رفقای انقلابی آشنایش مشغول بود، هنگامی که رفیق علی اکبر صفائی با برگشت از نبرد فلسطین آماده شد تا فرماندهی دسته ای از انقلابیون را در جنگل به عهده بگیرد، هنگامی که رفقا حمید اشرف و اسکندر صادقی نژاد وظیفه انقلابی خود را به مثابه رابطین بین شهر و کوه انجام می دادند و بالاخره هنگامی که رفیق مسعود احمدزاده به جمع بندی تلاش چهار ساله گروهی از رفقا برای یافتن راه انقلاب در ایران و تدوین تئوری مبارزه مسلحانه مشغول بود، هیچ کدام از این رفقا علیرغم ایمان به پی گیری راهشان توسط توده ها نمی دانستند که با بنیان گذاری یک مبارزه خونین و تا پای جان، درمیدت کوتاهی جامعه زیر اختناق شاهنشاهی و مرعوب شده ایران چنان دگرگون خواهد شد که توده های انقلابی با تأثیر گیری از مبارزه مسلحانه آنان در بُعدی وسیع پا به میدان مبارزه گذاشته و قیامی به عظمت بهمن را شکل خواهند داد. آری جنبش مسلحانه در ایران که از سیاهکل آغاز گشته بود در طی هشت سال به تدریج مردم را به سوی خود جلب کرد و راه و روش مبارزه با دیکتاتوری حاکم که جز با زبان زور با مردم سخن نمی گفت را در عمل به توده ها آموزش داد و راه خیزش توده ها علیه رژیم شاه به مثابه حافظ و مدافع سلطه امپریالیستی در ایران را هموار نمود.

در سال های بین ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ وسیعترین توده های مردم رنج کشیده و مصیبت دیده ایران که جانشان از مظالم رژیم شاه به لب رسیده بود، علیه این رژیم شوریدند. آگاه ترین کارگران و دیگر توده های مردم در جریان انقلاب خود با مشیت های گره کرده فریاد می زدند "رهبران، ما را مسلح کنید"، و شعار می دادند "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم". به این ترتیب نشان داده شد که نسیمی که با رستاخیز سیاهکل در جامعه محنت زده ایران آغاز شده بود، حال به طوفانی سلطنت برانداز و هموار کننده راه مبارزه با سلطه امپریالیستی تبدیل گشته است. شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" که توده های انقلابی ایران بعد از فرار شاه آن را فریاد زدند بیانگر آگاهی آنان به این واقعیت بود که با رفتن شاه هنوز به آزادی دست نیافته اند و شرط بر پائی جامعه ای آزاد و سعادتمند در گرو قطع هر گونه نفوذ امپریالیسم در ایران می باشد. این چنین بود که سیاهکل در انقلاب توده ها و قیام بهمن پژواک یافت.

قیام بهمن در سال ۵۷ با حمله توده های انقلابی به مراکز سرکوب و زرادخانه ها شکل گرفت و به سرنگونی رژیم سلطنت در ایران قطعیت بخشید. این یک قیام توده ای و شکوهمند بود که اگر چه نتوانست اصل نقشه امپریالیست ها در روی کار آوردن نوکران جدید خود یعنی دارو دسته خمینی را بر هم بزند ولی در تاکتیک آن ها مبنی بر چگونگی این کار خلل وارد ساخت. توده های رنج دیده ایران حال در پرتو قیام خود، سرشار از روحیه و غرور انقلابی به دنبال تحقق مطالبات خود بودند و بلافاصله بعد از خیزش انقلابی خویش دست اندر کار تغییر نظم اقتصادی - اجتماعی حاصل سلطه امپریالیست ها در جامعه شدند.

اما، انقلاب مردم ما گرچه توانست شاه را از ایران فراری دهد و سلطنت را برای همیشه به زباله دان تاریخ ببندد، ولی به دلیل عدم برخورداری از یک رهبری کمونیستی که بتواند مبارزات آن ها را در جهت از بین بردن سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته ایران سازماندهی کند در رسیدن به هدف اصلی ناکام ماند. چرا که اینک در درون سازمان چریکهای فدائی خلق که به دلیل برخورداری از حمایت توده ای عهده دار انجام چنین وظیفه سترگ تاریخی بود اپورتونیسم نفوذ کرده و رأس آن را ماران خوش خط و خالی اشغال کرده بودند. به این ترتیب خواست مردم ما برای استقلال و آزادی و دموکراسی پایمال سلطه رژیمی گشت که امپریالیست ها

در کنفرانس گوادلوپ رأی به موجودیت آن داده بودند تا بتواند با توسل به دین و مذهب، انقلاب مردم ایران را سرکوب نماید. در عین حال امپریالیست ها با روی کار آوردن جمهوری اسلامی، به اجرای سیاست دیگرشان مبنی بر ایجاد کمربند سبز به دور شوروی سابق نیز نایل آمدند. از آن زمان تا کنون در حالی که در عمل هم انقلاب ایران کاملاً سرکوب گشته و هم اتحاد شوروی دیگر در صحنه زندگی وجود ندارد، اما امپریالیست ها و در رأس آن ها آمریکا با تکیه به تجربه حاصل از حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران بنیادگرایی را وسیله ای برای گسترش سلطه ننگین خود در جهان قرار داده اند. حال اجازه دهید بقیه پیام امسال به مناسبت دو روز بزرگ تاریخی را به این موضوع و اهمیت مبارزه مسلحانه نیروهای انقلابی برای مقابله با سلطه امپریالیستی اختصاص دهیم.

امروز مردم جهان شاهد جلوه های گوناگونی از عملکرد بنیادگرایی اسلامی هستند که بیانگر آن است که استفاده امپریالیست ها از این ابزار پایان نیافته و به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱، امپریالیسم آمریکا با وسعت هر چه بیشتری به بازی با کارت بنیادگرایی اسلامی و تروریسم که دو عنصر در هم تنیده می باشند برخاسته است. اگر امروز می بینیم که امپریالیست ها با خلق موجود درنده ای به نام داعش منطقه را به آتش کشیده اند و داعشیان از هیچ جنایتی در حق مردم دریغ نمی ورزند این درست در تداوم همان خطی است که ۳۵ سال پیش خمینی و "اسلام ناب محمدی" او را بر مردم ما تحمیل نمودند. به واقع یکی از اولین تجلیات بنیادگرایی اسلامی به مثابه وسیله ای جهت گسترش سلطه امپریالیسم در دهه های اخیر، جمهوری اسلامی بود که با جنایاتش به اربابان خود نشان داد که این ابزار کاربرد به اصطلاح معجزه آسائی جهت پیشبرد مصالح ضد مردمی آن ها در بر دارد.

امروز به اعتبار گستردگی سلطه امپریالیسم در جهان، بنیادگرایی اسلامی، از آفریقا تا خاورمیانه و از آسیای میانه تا اقیانوسیه، همه جا در جولان بوده و شاهد دارو دسته های ریز و درشتی هستیم که زیر پرچم اسلام، سیاست امپریالیست ها را پیش می برند و با کوبیدن بر طبل ترور و جنگ و ناامنی شرایط حضور و آتش افروزی اربابانشان را فراهم می کنند. این واقعیت در عروج ناگهانی داعش در عراق با عریانی تمام در مقابل چشم جهانیان قرار گرفت و کار مضحکه به آن جا رسید که خالقین داعش علیه اش ائتلاف جنگی سازمان دادند. اما همه این شعبده بازی ها را مقاومت قهرمانانه خلق کُرد کوبانی نقش بر آب نمود. در جریان این مقاومت دلیرانه، جهان شاهد بود که چگونه زنان و مردان این شهر اسلحه برداشته با مبارزه مسلحانه تا پای جان خود، پوزه داعش را به خاک مالیدند. به خصوص شرکت وسیع زنان دلاور کوبانی مشیت محکمی بر باورهای زن ستیزانه بنیادگراهائی بود که در همه جا در تلاش اند تا با مذهب و سنت، زنجیر های اسارت زنان را محکمتر ساخته و از این طریق کل جامعه را به زنجیر بکشند. صرف نظر از این که کوبانی در آینده چه سرنوشتی پیدا کند مقاومت مسلحانه مردم کوبانی به همگان نشان داد که تنها راه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است؛ و این درسی بود که رزمندگان سیاهکل، ۴۴ سال پیش با نثار جان خود آن را به مردم ما نشان دادند و امروز خود زندگی در زیر سلطه رژیم می که جز با قهر و سرکوب با مردم سخن نمی گوید با روشنی حیرت انگیزی آن را فریاد می زند.

براستی در شرایطی که سلطه سرنیزه امکان هیچ تشکلی را نمی دهد و هر صدائی را در گلو خفه می سازد چگونه می توان بدون توسل به مبارزه مسلحانه در سد دیکتاتوری حاکم شکاف انداخت و شرایط سازمانیابی و رشد خود پیشرو را فراهم نمود. تجربه سیاهکل نشان داد که بدون مبارزه مسلحانه، پیشروئی در صحنه نمی ماند تا توده ها را جهت رهائی، مورد خطاب قرار داده و راه رهائی را به آن ها نشان دهد.

در سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن، با گرامیداشت خاطره رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده، بکوشیم تا درس های این رویداد های سترگ را دستمایه مبارزه جهت نابودی جمهوری اسلامی ساخته و راه انقلاب را هموار سازیم.

**گرامی باد خاطره فراموش نشدنی رزمندگان سیاهکل در بهمن ۴۹ و توده های قیام کننده در بهمن ۵۷!**

**نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!  
پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!  
با ایمان به پیروزی راهمان**

**چریکهای فدایی خلق ایران  
۱۱ بهمن ۱۳۹۳**